

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

تنبيه سوم از تنبيهات تمسک به عام در شبهه مصداقيه

بحث ما در تنبيهات تمسک به عام در شبهه مصداقيه بود؛ قبل از تعطيلات دو تنبيه را عنوان کردیم؛ و امروز تنبيه سوم را شروع مي کنيم. در تنبيه سوم که مرحوم آخوند در «کفايه» آن را به عنوان «وهم و إزاحة» مطرح مي کنند، مي فرمايند بعضي از فقها – که ظاهراً به مرحوم شهيد در کتاب «دروس» اشاره دارد – در غير مورد تخصيص به اصالة العموم تمسک کرده اند، تا کنون در موردی که شک مي کردیم آیا از أصالة العموم خارج شده است يا نه؟ (يعني در مورد شک در تخصيص) متعارف اين بود که به اصالة العموم تمسک کنيم؛ با وجود اختلافي که مطرح بود آیا در شبهه مصداقيه تمسک صحيح است يا صحيح نيست. مرحوم آخوند در اين تنبيه مي فرمايند: در بعضي از کلمات فقها به اصالة العموم تمسک شده است و ارتباطي به مسأله شک در تخصيص نيز ندارد، بلکه شک از ناحیه دیگری است. ايشان اين توهّم را بيان و مورد بحث قرار مي دهند.

کلام متوهم

براي توضيح کلام متوهم، مثالي که در اینجا وجود دارد، اين است که یک دليل مي گويد «[إذا قمتم إلي الصلاة فاغسلوا وجوهكم وأيديكم إلي المرافق](#)» و دلالت بر لزوم وضو دارد، حال، اگر شک کنيم که آیا وضوي با آب مضاف نيز همانند وضوي با آب مطلق صحيح است يا نه؟، خود اين دليل، از اين نظر اجمال دارد و مبين نيست؛ نمي توانيم بگويم اين دليل اطلاق دارد و آب مضاف را نيز شامل مي شود. متوهم مي گويد: ما وضوي با آب مضاف را متعلق براي نذر قرار دهيم و بگويم «إني نذرت أن أتوضأ بالماء المضاف»، هنگامي که متعلق نذر قرار گرفت، اقتضاي عموم دليلي که مي گويد «أوفوا بالنذور يا واليوفوا نذورهم» وجوب عمل به اين نذر است؛ و مي گويد بايد به نذري که کرده ايد مبني بر وضوي با آب مضاف عمل کنيد. پس، اینجا به اصالة العموم يعني عموم «أوفوا بالنذور يا واليوفوا نذورهم» براي لزوم عمل به نذر تمسک شده است.

حال که وفای به اين نذر واجب شد، بالملازمه – ملازمه عقليه يا ملازمه شرعيه – استفاده مي کنيم که وضوي با آب مضاف مشروع و صحيح است؛ براي اين که متعلق نذر بايد امري مشروع باشد. «كل ما يجب الوفاء به لابد وأن يكون صحيحاً»؛ چه آن که اگر صحيح نباشد، وفای به آن واجب نخواهد بود. نتيجه آن که به اصالة العموم تمسک کردیم، در حالي که منشأ آن شک در تخصيص نيست. اين خلاصه کلام متوهم است که عرض کردم مرحوم شهيد در کتاب «دروس» در بحث رکعات نماز اين فرع را مطرح مي کند که اگر کسي نذر کند یک نماز پنج رکعتي با یک سلام انجام دهد، احتمال دارد که بگويم عمل او درست

است؛ البته آن را به صورت «علي تردّد» بیان می‌کنند.

مناقشه مرحوم آخوند

مرحوم آخوند در مقام ردّ و مناقشه در این توهّم می‌فرمایند: دلیل وضو یا اجمال دارد و یا اجمال ندارد؛ اگر اجمال داشته باشد، در صورتی که بخواهید به اصالة العموم تمسک کنید، از باب تمسک به عام در شبهه مصداقیه خود عام می‌شود که **لا یکاد یتوهم عاقل**؛ اگر مولا گفته بود «**أکرم العلماء**»، مکلف نمی‌داند که زید موجود در خارج عالم است یا نه، اگر بخواهد برای وجوب اکرام زید به **أکرم العلماء** تمسک کند، تمسک به خود عام در شبهه مصداقیه است که هیچ عاقلی آن را قبول ندارد. مرحوم آخوند می‌فرماید: در موردی که خطاب اجمال دارد، اگر در موضوع یک حکم ثانوی، فعلی قرار گرفته که محکوم به حکم اولی است، نمی‌توانیم به اصالة العموم تمسک کنیم؛ اما اگر در موضوع آن، فعلی که محکوم به حکم اولی است، نباشد، می‌توانیم به عام تمسک کنیم.

صورت اول: اگر در موضوع وجوب وفای به نذر که یک حکم ثانوی است، فعلی باشد که خود آن فعل محکوم به یک حکم اولی است، مثل «**أوفوا بالنذور**»، نذر مشروط به این است که یک فعلی باشد که شرعاً صحیح و راجح باشد؛ در اینجا که ما نمی‌دانیم وضوی با آب مضاف مشروع است، نمی‌توانیم به اصالة العموم تمسک کنیم و از قبیل تمسک به عام در شبهه مصداقیه خود عام است. «**والیوفوا نذورهم**» یعنی نذوری که به افعال صحیح و راجح تعلق پیدا کرده است.

خود مرحوم آخوند به اطاعت والد مثال می‌زنند که یکی از عناوین ثانویه است. فرض کنید نشستن در فلان مکان برای زید مباح است، اگر پدرش به او امر کرد که در همان مکان بنشیند، نشستن در آن مکان بر زید واجب می‌شود؛ یا مثلاً فلان سفری که مباح است، زمانی که پدر فرزندش را به آن سفر امر کند، واجب می‌شود. والا اگر پدری فرزندش را به ترک واجب یا فعل حرام امر کرد، دیگر موضوعی برای وجوب اطاعت والد نیست. نتیجه آن که مرحوم آخوند می‌فرماید: در این گونه احکام ثانویه که در موضوعشان فعلی قرار دارد که محکوم به عنوان اولی است، اگر بخواهیم به عام تمسک کنیم، تمسک به عام از قبیل تمسک به عام در شبهه مصداقیه خود عام می‌شود که هیچ عاقلی آن را قبول ندارد.

اما صورت دوم: مرحوم آخوند برای صورت دوم که عناوین ثانویه‌ای است که در موضوع آنها فعلی که محکوم به حکم اولی باشد، وجود ندارد، مثالی ذکر نکرده‌اند؛ اما مثالی که در بعضی از کلمات وجود دارد، این است که در متعلق حلف و قسم رجحان لازم نیست؛ بلکه همین مقدار که قدرت و تمکن از آن وجود داشته باشد، باید انجام شود. همین اندازه که مکلف قسم بخورد فرشش را نیم ساعت روی دوشش بگیرد در حالی که تمکن از آن نیز دارد، با وجود آن که هیچ رجحانی هم ندارد، وفای به این حلف واجب، و حنث آن حرام است. مرحوم آخوند می‌فرماید: در چنین مواردی، اگر شک کردید آن عمل مشروع است یا نه؟ و یا شک کنید که آیا قدرت بر انجام آن دارید؟

به عموم وجوب وفای به حلف می‌توانید تمسک کنید و مانعی ندارد. به عنوان مثال، شما قسم می‌خورید که به یک مکانی بروید اما نمی‌دانید که رفتن بدانجا مشروع است یا نه؟ به عموم وجوب وفای به حلف می‌توانید تمسک کنید و مانعی ندارد؛ البته این در صورتی است که مبنای در حلف را این قرار دهیم که رجحان لازم نیست، هر چند قسم بر حرام نمی‌شود و امکان ندارد. اما اگر دلیلی که به عنوان حکم اولی داریم اجمال نداشته باشد، به عنوان مثال، «**إذا قمتم إلى الصلاة فاغسلوا وجوهکم**» □ فرض کنیم اجمال ندارد و فقط وضوی با آب مطلق را شامل می‌شود و وضوی با آب مضاف را نمی‌گیرد؛ حال، در دلیل ثانوی اگر نذر کردیم با آب مضاف وضو بگیریم، مرحوم آخوند می‌فرماید: اینجا بین دلیل حکم اولی و دلیل حکم ثانوی تراحم برقرار می‌شود و تراحم در مقام اقتضاء است؛ اگر یکی از این دو اقوای از دیگری بود، آن را مقدم می‌کنیم؛ اما اگر از نظر اقتضاء مساوی با

یکدیگر باشند، هر دو را کنار می‌گذاریم و به اصالة الاباحه رجوع می‌کنیم. این خلاصه جواب مرحوم آخوند.

مؤیدات نظریه متوهم

متوهم بعد از ذکر نظریه خود، دو مؤید نیز می‌آورد؛ **مؤید اول**: احرام قبل از میقات است؛ در کتاب الحج ملاحظه کرده‌اید که همه فقها این نظریه را دارند که احرام قبل از میقات مشروع و جایز نیست، مگر به وسیله نذر. اگر شخصی نذر کرد که برای احرام عمره مفرده یا عمره تمتع مثلاً از جدّه محرم شود، همه فقها می‌گویند: احرام او درست است. متوهم می‌گوید چطور در اینجا برای این که بگویید این احرام قبل از میقات درست است، می‌گویید: نذر احرام قبل از میقات کرده است و عموم **أوفوا بالنذور** شاملش می‌شود، پس باید به این نذر وفا شود؛ **وکل ما يجب الوفاء به فيقع صحيحاً** □.

مؤید دوم: نذر روزه در سفر است؛ همه فقها می‌گویند که روزه در سفر مشروع نیست مگر به واسطه نذر؛ اگر مکلف نذر کند که چند روز دیگر که می‌خواهد مسافرت برود، در آنجا یک روز یا دو روز و یا سه روز روزه بگیرد، **أوفوا بالنذور** شاملش می‌شود و می‌گوید **يجب الوفاء بالنذر**؛ در نتیجه این عمل روزه در سفر مشروع می‌شود. همان‌گونه که عرض کردم در اینجا بحث شک در تخصیص نیست که با اصالة العموم بخواهیم بگوییم این مورد تخصیص خورده است یا نه؟، بلکه بحث در این است که آیا این عمل صحیح است یا نه؟، هنگامی که نذر کردیم اصالة العموم می‌گوید وفای به این نذر واجب است؛ بعد یک ملازمه داریم که **کلّ ما يجب الوفاء به فلا بدّ أن يقع صحيحاً** □.

جواب مرحوم آخوند از مؤیدات

مرحوم آخوند در کفایه از این دو مؤید، سه جواب می‌دهند. **جواب اول** : می‌فرمایند: در این دو مورد، احرام چه از میقات و چه قبل از میقات، رجحان ذاتی دارد؛ روزه چه در حضر و چه در سفر، رجحان نفسی و ذاتی دارد، منتهی احرام قبل المیقات با این که مطلوبیت ذاتی دارد، مبتلای به مانع است که با نذر، آن مانع برطرف می‌شود؛ همچنین روزه در سفر نیز مبتلای به مانع است که با نذر آن مانع برطرف می‌شود. بنابراین، نمی‌توانیم بگوییم با نذر این دو عمل مشروعیت و صحّت پیدا می‌کنند، بلکه آنها صحت نفسی و ذاتی دارند اما مبتلای به مانع هستند که به وسیله نذر آن مانع برطرف می‌شود.

جواب دوم: این است که بگوییم هیچکدام از این دو مورد — نه احرام قبل المیقات و نه صوم فی السفر — دارای رجحان ذاتی و نفسی نیستند، بلکه رجحان و مطلوبیت به نفس تعلق نذر می‌آید؛ به عبارت دیگر، این که در باب نذر می‌گویند متعلق نذر باید راجع باشد، درست است؛ اما لازم نیست که این رجحان قبل تعلق النذر باشد، بلکه اگر رجحان به برکت نذر نیز بیاید، کفایت می‌کند. در این دو مورد نیز همین طور است.

جواب سوم: درست است که در باب نذر قاعده‌ای داریم که می‌گوید: «**لأنذر إلّا في طاعة الله**»، و فقها از همین استفاده کرده‌اند که در متعلق نذر باید رجحان باشد. هنگامی که می‌گویند: **لأنذر إلّا في طاعة الله** یعنی آن چیزی که فعلش رجحان دارد را متعلق نذر قرار دهیم. مرحوم آخوند می‌فرماید: این هم یک عامی است که «**ما من عام إلّا وقد خصّ**»، بگوییم شرطیت رجحان در متعلق نذر در این دو مورد تخصیص خورده است. این مطالبی که امروز نقل شد را در کفایه ملاحظه کنید که از عبارت کفایه نمی‌توان آنها را به صورت روشن استفاده کرد، تا بعد ببینیم آیا این تنبیه و فرمایش مرحوم آخوند صحیح است یا نه؟ والسلام.